

کتابخانه عمومی حوزه طرح جلد و اعلام وصول

۲۰۴۶۰۷۱



تقديم به

معلم معرفت، امير زمان  
واسکندر دوران

www.ketab.ir



نام کتاب: روش کارهای آزاد اسلامی

مؤلف: دکتر محمد تقی آل بویه  
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران

تحقیق و تنظیم: دکتر محمد تقی آل بویه

نشر: گنجینه (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری  
دین و معنویت آل بویه)

مدیر هنری: دکتر محمد تقی آل بویه

چاپ و صحافی: گنجینه

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-7917-87-9



کتابخانه  
قرآن - سورة يوسف  
Qur'an, Surat Yusef  
تفاسیر (سورة یوسف)  
مرادی حسین آباد، محمد، ۱۳۵۲  
BP۱:۲/۳۵  
۲۹۷/۱۸  
۵۷۸۳۴۴

دفتر مرکزی: قم، خیابان صفاشهر، کوچه ۴، پلاک ۵۰ ❖ تلفن: ۰۹۱-۳۲۶-۱۰۵  
دورنگار: ۰۹۵-۳۲۰۳۰۳، آدرس اینترنتی: [www.manaviyat.ir](http://www.manaviyat.ir) رایانامه: [aleyasin@manaviyat.ir](mailto:aleyasin@manaviyat.ir)  
❖ بوستان کتاب قم: چهارراه شهدا، تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۳۴۲۶  
❖ بوستان کتاب تهران: خیابان انقلاب، تلفن: ۰۲۱۶۹۶۹۸۷۸  
❖ بوستان کتاب اصفهان: خیابان مسجدسید، تلفن: ۰۳۱۳۲۲۰۳۷۰  
❖ بوستان کتاب مشهد: خیابان خسروی، تلفن: ۰۵۱۳۲۲۳۳۶۷۲





### ❁ دیباچه • ۱۷

یک) آثار نگاشته شده • ۱۸

دو) جایگاه و اهمیت قصه در سامانه تربیتی قرآن • ۱۹

سه) مفهوم شناسی قصه از نظر قرآن • ۲۰

چهار) ویژگی‌های قصه یوسف علیه السلام • ۲۱

پنج) تفاوت قصه‌های قرآنی و داستان‌های (رمان‌های) امروزی • ۲۲

شش) چرایی زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام • ۲۳

هفت) عبرت؛ مهم‌ترین کارکرد قصص قرآنی • ۲۴

«آیه اول» قرآن، مقامش بی‌بلند است • ۲۹

عبرت ۱: بسند سازی، و قرآنی کردن زندگی • ۳۰

عبرت ۲: مؤثر یا فطر؟ کدامیک؟ • ۳۱

عبرت ۳: قرآن و تمام اجزای آن در اوج شفافیت‌اند • ۳۳

عبرت ۴: می‌توان بر سر سفره علم خداوند نشست • ۳۴

«آیه دوم» ❁ قرآن، حقیقی آسمانی و فرستاده آفریننده هستی است • ۳۵

عبرت ۱: جهان، قرآن و انسان کامل ممکن و مرتبط‌اند • ۳۶

عبرت ۲: با آب و قرآن انسان به زندگانی واقعی می‌رسد • ۳۷

عبرت ۳: زبان عربی؛ زبان قرآن و زبان نماز • ۳۸

عبرت ۴: شاید که در آیات قرآن بیندیشیم • ۳۸

«آیه سوم» ❁ حکایت بازگویی زیباترین قصه هستی از زبان پروردگار یوسف علیه السلام • ۴۱

عبرت ۱: خدا، او است یا ما است یا من؟ • ۴۲

عبرت ۲: غفلت پیامبر صلی الله علیه و آله از زیباترین قصه عالم، خوب یابد؟ • ۴۳





«آیه چهارم» ❁ رویایی سرشار از شگفتی ● ۴۵

عبرت ۱: از این زیباتر ممکن نیست ● ۴۶

عبرت ۲: رؤیا، چهره غیبی زندگی ● ۴۸

عبرت ۳: خواب، نشانگر نوع زندگی ماست ● ۴۹

عبرت ۴: معبر واقعی کیست ● ۵۰

عبرت ۵: زبان معبر ● ۵۱

عبرت ۶: دیدن و رفتن آری، توقف یا ندیدن هرگز ● ۵۲

عبرت ۷: مرجعیت والدین برای فرزندان ● ۵۳

عبرت ۸: ادب و عشق ورزی در ارتباط کلامی ● ۵۴

عبرت ۹: فروتنی خورشید بزرگ برای کودکی کوچک ● ۵۴

«آیه پنجم» ❁ نبرنگ سازی و فهم آن ● ۵۷

عبرت ۱: کلاه خوبی کنید ● ۵۸

عبرت ۲: طعنه پندی کنید ● ۵۹

عبرت ۳: لطافت مدیر خود باشید ● ۶۱

عبرت ۴: موقعیت شناس باشید ● ۶۲

عبرت ۵: شیطنت شبیه سازنده ● ۶۲

عبرت ۶: تعامل شیطان با انسان ● ۶۳

عبرت ۷: تکنیک ابلیس ● ۶۳

عبرت ۸: دشمنی بی نقاب ● ۶۴

عبرت ۹: نبرد پنهان تدبیر آفریده و تقدیر آفریدگار ● ۶۴

عبرت ۱۰: فلسفه رنج انسان در این جهان چیست ● ۶۵

عبرت ۱۱: خودتان فاصله اتان را با آرزوهایتان تنظیم می کنید ● ۶۶

عبرت ۱۲: تدبیر کنید و به خدا واگذار کنید ● ۷۱





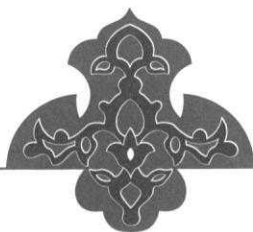
«آیه ششم» ❁ شرح برگزینی یوسف علیه السلام ● ۷۳

- عبرت ۱: شناخت استعدادها و توانمندی‌های فرزندان ● ۷۴
- عبرت ۲: خبر خوبان از آینده واقعی ● ۷۴
- عبرت ۳: انتخاب‌های چهارگانه خداوند ● ۷۵
- عبرت ۴: علم، اولین نیاز برگزیده خداست ● ۷۹
- عبرت ۵: علم خاص چیست ● ۷۹
- عبرت ۶: نمونه‌های تعلیم خاص در قرآن ● ۸۱
- عبرت ۷: مسیری رامعین کن ● ۸۲
- عبرت ۸: بهترین فرمول زندگی ● ۸۳
- عبرت ۹: راهی از میان حوادث و رخسادهای زندگی ● ۸۴
- عبرت ۱۰: حوادث، همان رفتارهای قبیله شکل یافته انسان هستند ● ۸۹
- عبرت ۱۱: یوسف علیه السلام برای خداوند بسیار خاص است ● ۹۱
- عبرت ۱۲: اصل مقارنت و هم‌زمانی ● ۹۲
- عبرت ۱۳: از احدی جز خودتان گلیه نگیرید ● ۹۴
- عبرت ۱۴: شما باید که نعمت ساز یا نعمت افروز هستید ● ۹۴

«آیه هفتم» ❁ نشانه‌هایی برای جویندگان راه ● ۹۹

- عبرت ۱: نشانه‌های تدبیر و قدرت‌نمایی خداوند ● ۱۰۰
- عبرت ۲: تحرک و طلب واقعی کافی است ● ۱۰۰
- عبرت ۳: حسادت مقدس‌ترین مرزها را می‌شکند ● ۱۰۳





«آیه هشتم» ❁ درک صحیح یا ناصحیح ملای ها ● ۱۵

عبرت ۱: مدیریت مهرورزی ● ۱۶

عبرت ۲: ده برادر هم عاشق پدر بودند ● ۱۶

عبرت ۳: خودتان بالا بروید، دیگران را پایین نیاورید ● ۱۷

عبرت ۴: تفاوت آری، تبعیض نه ● ۱۸

عبرت ۵: دریافتن ملاک اشتباه نکنید ● ۱۸

«آیه نهم» ❁ نابودسازی برای دیده شدن ● ۱۱۱

عبرت ۱: چه اندازه به عالی ترین ویژگی انسانی نزدیک هستید ● ۱۱۲

عبرت ۲: زیباترین شیوه اصلاح رفتار، تأکید بر خُلق زیباست ● ۱۱۳

عبرت ۳: تکنیک کائناتی محبوب شدن ● ۱۱۴

عبرت ۴: کسب کائنات و تقاضای روزگار ● ۱۱۵

«آیه دهم» ❁ سلامتی برای دیده نشدن یوسف (ع) ● ۱۱۷

عبرت ۱: تشویق و تحذیر، برتری جویی و فرمان دهی ● ۱۱۸

عبرت ۲: پیامدهای بزرگ یک پیشنهاد ساده ● ۱۱۸

عبرت ۳: گاهی دیده نشوید خوب است ● ۱۱۹

عبرت ۴: از زاویه نگاه یوسف (ع) بنگرید ● ۱۱۹

عبرت ۵: هم زمانی گذر کاروان بادر چاه قرار گرفتن یوسف (ع) ● ۱۲۰

«آیه یازدهم» ❁ دورویی و فریبندگی برادران ● ۱۲۳

عبرت ۱: هیچ کس را ضایع نکنید ● ۱۲۴

عبرت ۲: خیرخواهانه همانند نخستین خیرخواه عالم ● ۱۲۴

عبرت ۳: به ظاهر فریبنده شعارها و ادعاهای دیگران توجه نکنید ● ۱۲۴





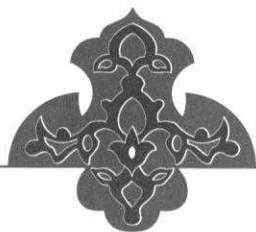
- «آیه دوازدهم» ❁ واقعیاتی در توجه به نیازهای اصیل ● ۱۳۷
- عبرت ۱: تأمین به هنگام نیازهای واقعی و طبیعی فرزندان ● ۱۳۸
- عبرت ۲: تأکید بر نیاز معشوق، عاشق را تسلیم می‌کند ● ۱۳۸
- عبرت ۳: نابود کردن جسم و روح به بهانه گردش و بازی ● ۱۳۹
- عبرت ۴: متعادل و واقع‌بین باشید ● ۱۳۰
- عبرت ۵: نه متهم کنید نه فریب بخورید ● ۱۳۱

- «آیه سیزدهم» ❁ بزرگ‌منشی بزرگان و اولیا ● ۱۳۳
- عبرت ۱: رفتار ماکماه بزرگی انسان‌های بزرگ کجا ● ۱۳۴
- عبرت ۲: نیازهای واقعی معشوقتان را به رسمیت بشناسید ● ۱۳۴
- عبرت ۳: گر، واقعیت درونی برادران موسی (ع) بود ● ۱۳۶
- عبرت ۴: دوست غیر واقعی به اندازه صند دشمن کافی است ● ۱۳۷

- «آیه چهاردهم» ❁ این فرزند دل‌بند نزد شما مانده است ● ۱۳۹
- عبرت: بهره‌مندی از تجربه‌های باتجربه‌ها ● ۱۴۰

- «آیه پانزدهم» ❁ کید برادران والهام خداوند به بی‌سوفی ● ۱۴۳
- عبرت ۱: در کارهای خوب هم‌بستگی کنید ● ۱۴۴
- عبرت ۲: از طراحی تا عمل فاصله زیادی است، شکیبا باشید ● ۱۴۴
- عبرت ۳: به هنگام نیاز، آرامشی عمیق دریافت کنید ● ۱۴۵
- عبرت ۴: اگر می‌خواهید آرامش بیشتری تجربه کنید بر دانش خود بیفزایید ● ۱۴۶
- عبرت ۵: خداوند شما را با آنچه برای‌تان مهم نیست تدبیر می‌کند ● ۱۴۷
- عبرت ۶: تدبیرتان شاد کردن دیگران باشد نه ساختن آینده خود ● ۱۴۸
- عبرت ۷: فردا را در آینه امروز بنگرید ● ۱۵۰





«آیه شانزدهم» ❁ آرامشی که خدادرون یوسف ﷺ نهاد ● ۱۵۳

عبرت ۱: هم‌زمانی الهام خداوند به قلب یوسف ﷺ با قرار گرفتن در نهان خانه چاه ● ۱۵۴

عبرت ۲: گاهی گریه و اظهار احساسات فریبنده است، اعتماد نکنید ● ۱۵۴

عبرت ۳: از روزه شب، زیبایی‌های آسمان را بنگرید ● ۱۵۵

«آیه هفدهم» ❁ ناهماهنگی با کائنات پرورگار ● ۱۵۹

عبرت ۱: دروغ ناهماهنگی با کائنات است ● ۱۶۰

عبرت ۲: دروغ‌گو با اصرار بر راست‌گویی اش خود را الو می‌دهد ● ۱۶۱

عبرت ۳: بکوشید اصل مسابقه در خوبی‌ها باشید ● ۱۶۲

عبرت ۴: مسابقه بازی نیاز بشر ● ۱۶۲

«آیه هجدهم» ❁ مهم‌ترین است که خدا اصل باشد ● ۱۶۵

عبرت ۱: آنچه برای خدا مهم است، برای ما هم مهم باشد ● ۱۶۶

عبرت ۲: پیراهن یوسف ﷺ در سه جابجا نجات در پیامبر شد ● ۱۶۸

عبرت ۳: زمانی که برسید، دروغ خودش آشکار می‌شود و رسوا می‌کند ● ۱۷۰

عبرت ۴: مراقب فریب و توجیه‌های خود ساخته خودتان باشید ● ۱۷۱

عبرت ۵: صبر زیبایی که بعقوب ﷺ پیش گرفت ● ۱۷۲

عبرت ۶: کاری از شما، کاری از خدا ● ۱۷۶

عبرت ۷: در گفتگوی با خدا زیبا و مؤدبانه سخن بگویید ● ۱۷۶





- «آیه نوزدهم» ❁ حقیقت درونتان، فریب‌ها را آشکار می‌کند ● ۱۷۹
- عبرت ۱: کالای بدن انسان از آسیب‌های همیشگی زندگی بی‌شیر است ● ۱۸۰
- عبرت ۲: مظلوم با گذشت باشید ● ۱۸۰
- عبرت ۳: اگر حقیقت وجودتان را پر کرد، فریب‌ها به نفع شما آشکار می‌شوند ● ۱۸۲
- «آیه بیستم» ❁ موفقیتی که نباید از آن فروخت ● ۱۸۵
- عبرت ۱: هر چیزی راحت به دست آمد، از آن را دست می‌رود ● ۱۸۶
- عبرت ۲: آنچه مهم است داشتن جایگاه نزد خداست نه مردم ● ۱۸۷
- عبرت ۳: ما هم از آن فروشیم ● ۱۸۷
- عبرت ۴: زهد در ادبیات قرآن ● ۱۸۸
- عبرت ۵: فرمول انسان مؤمن ● ۱۹۰
- ❁ کتاب‌نامه ● ۱۹۳



## ❁ دیباجه

چگونه زیستن و نحوه بهره‌مندی از ظرفیت‌های عمر، دغدغه همیشگی انسان در طول تاریخ به‌ویژه در جامعه امروزی بوده و هست. غلبه نگاه ظاهرگروانه به زندگی، عرصه زندگی را بر بشر سخت و عانکه کرده و او را در چالش جدی با هر آنچه غیر «خود» اوست مشغول و سرگشته کرده است.

بی‌توجهی به واقعیت‌ها، ناآگاهی از پشت‌صحنه‌های رخداد‌های زندگی و بی‌میلی نسبت به دانایی به لطافت‌های حوادث، انسان را سخت شکننده و افسرده کرده است به‌گونه‌ای که با گذشت سال‌های متمادی از تولد یک انسان، هنوز که هنوز است به‌صورت سطحی با اتفاقات و حوادث مواجه می‌شود و از آن هیچ بهره‌ای نمی‌برد.

انسان امروزی، عمدتاً با دل‌خوش کردن به دیده‌ها و شنیده‌ها و به‌طور کلی محسوسات و اشتغال عمیق به آن‌ها، خود را از ادراک نادیده‌ها، ناشنیده‌ها و عالم غیب محروم نگاه داشته است. روزمرگی، نداشتن امید به آینده، افسردگی، اضطراب، تنش، درگیری و دیگرآزاری، خودتخریبی، خودمحوری و فرافکنی همه و همه از پیامدهای نامبارک محو شدن در پوسته ظاهری زندگی و «توقف» در زندگی است.

مجموعه «همسفر با یک عابر» مطالب را در دو محور کلی پی می‌گیرد. بخشی از آن را پیش از شروع قصه و بخش دیگر را در پایان ارائه می‌کند. قبل از ورود به قصه یوسف علیه السلام توجه به چند نکته می‌تواند مفید باشد:

## ی( آثار نگاشته شده

کتاب‌هایی که درباره قصه‌های قرآن از جمله قصه یوسف علیه السلام نگاشته شده است، به پنج دسته قابل تقسیم‌اند:

**\* دسته اول** آثاری است که صریحاً درباره قصه‌های قرآن سخن گفته‌اند و در بیشتر موارد با عناوین قصص القرآن، آیات القصص، داستان‌های قرآن، داستان‌های شگفت‌انگیز قرآنی نام‌گذاری شده‌اند. «قصص یا داستان‌های شگفت‌انگیز قرآن مجید» اثر علی قاضی زاهدی گلپایگانی، «قصص الانبیاء»<sup>۱</sup> اثر ابواسحاق نیشابوری و «قصص الانبیاء»<sup>۲</sup> اثر سید بن هبه الله قطب راوندی از این دسته است.

**\*\* دسته دوم** آثاری هستند که به تحلیل داستان‌های قرآنی پرداخته و داستان‌ها را به لحاظ ادبی یا ساختاری یا هنری نگریسته‌اند. «تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن»<sup>۳</sup> خلیل پروینی، «ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن»<sup>۴</sup> محمد حسینی، «قصه و نکات تربیتی آن در قرآن»<sup>۵</sup> سید سعید مهدوی، «تحلیلی نو از قصص قرآن»<sup>۶</sup> محمد تقی ملبوبی و «پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن»<sup>۷</sup> محمود بستان از این قبیل‌اند.

**\*\* دسته سوم** آثاری هستند که اندیشمندان عرب آن‌ها را نگاشته‌اند. کتاب «مدخل الی القرآن الکریم»<sup>۸</sup> اثر محمد عابد الجابری از جمله آن‌ها است.

**\*\* دسته چهارم** آثار نگاشته شده توسط مستشرقان است.

۱. قصص یا داستان‌های شگفت‌انگیز قرآن مجید، قاضی زاهدی گلپایگانی، علی، تهران، اسلامیه، بی‌جا، ۱۳۷۱.

۲. قصص الانبیاء، نیشابوری، ابواسحاق، به کوشش کاوه کوهرین، تهران، امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۲.  
۳. قصص الانبیاء، راوندی، قطب‌الدین هبه الله، به کوشش غلامرضا عرفانیان، مشهد، آستان قدس رضوی، ج اول، ۱۴۰۹ ق.

۴. تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، پروینی، خلیل، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۷۹.  
۵. ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن، حسینی، محمد، تهران، ققنوس، ۱۳۹۵.

۶. قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، مهدوی، سید سعید، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.  
۷. تحلیلی نو از قصص قرآن، ملبوبی، محمد تقی، تهران، امیرکبیر، ج اول، ۱۳۷۶.

۸. پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، بستان، محمود، مترجم محمد حسین جعفرزاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ج اول، ۱۳۷۱.

۹. مدخل الی القرآن الکریم، الجابری، محمد عابد، بیروت، مرکز الدراسات الواحدة العربیة، ۲۰۰۶ م.

\*\*\* **دسته پنجم** آثار منظوم ناظر به قصص قرآنی است. «مثنوی معنوی» اثر جلال الدین محمد بلخی، «یوسف و زلیخا»<sup>۲</sup> اثر نورالدین احمد جامی و «مثنوی یوسف و زلیخا»<sup>۳</sup> منسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی از این دسته شمرده شده است.

## (دو) جایگاه و اهمیت قصه در سامانه تربیتی قرآن

قصه، در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. از همین روی دامنه مخاطبانش وسیع تر و قدرت نفوذش بیشتر است. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما این کتاب آسمانی در حامل ترین وجه خود از شیوه داستان سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است.<sup>۴</sup>

سوره های داستانی و قصه های قرآن، یکی از ظرفیت های معرفتی قرآن است که پس از گذشت چهارده قرن از حیات قرآن و اسلام، علی رغم جایگاه منحصر به فرد آن در ادبیات قرآن، مورد بی مهری رنج آوری قرار گرفته است که بی تردید از مصادیق کم کاری اندیشمندان، ادیبان و خره یخکان به شمار می آید.

آیات القصص در قرآن کریم حجم قابل توجهی از آیات را به خود اختصاص داده اند. خداوند حکیم در بیش از هزار آیه از آیات آخرین کتاب آسمانی با انگیزه و هدفی خاص، به بیان قصه پرداخته است. آیات القصص قرآن که عمدتاً بر مباحث اعتقادی تکیه دارند، تأثیرات چشم گیری بر فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی، به ویژه خلق آثار فاخری همچون کلیله و دمنه، مثنوی معنوی، منطق الطیر، بوستان، گلستان، غزلیات حافظ شیرازی و سنایی غزنوی داشته است.

۲۰۸ قطعه داستانی در قرآن مجید آمده است که برخی ادامه برخی دیگر هستند و بعضی از آن ها نیز کامل و مستقل می باشند.

۱. مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین، تصحیح نیکلسون، تهران، طلوع، ۱۳۷۰.

۲. یوسف و زلیخا، جامی، عبدالرحمن بن احمد، تهران، نشر دبیر، ۱۳۹۷.

۳. یوسف و زلیخا، فردوسی، ابوالقاسم، تهران، آفرینش، ۱۳۶۹.

۴. شجاع پوریان، «تأملی در شاخصه های قصه در قرآن»، دوفصلنامه علمی پژوهشی ادب عربی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۱۳-۱۳۴.

۶۳ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن کریم، حاوی قصه و حکایت است و این بدین معناست که بیش از نیمی از سوره‌های قرآن، با هنر قصه‌پردازی به انتقال پیام خود پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش، در موارد بسیاری، هرگاه خواسته به مخاطبان‌ش که تمام انسان‌ها تا قیام قیامت هستند، دین و اعتقادات را بیاموزد، از روش هنری مخصوصاً زبان داستان و قصه‌گویی استفاده کرده است. هیچ پدیده ارزشمند اعتقادی، اخلاقی و تربیتی نیست که بتواند برای کل بشریت مفید باشد، مگر اینکه خداوند آن را در خلال قصه‌های قرآنی آورده است.

یکی از مهم‌ترین، جذاب‌ترین و عمومی‌ترین زبان‌های تأثیرگذار در جهان امروز، زبان هنر است. مهم‌ترین عنصر قدرتمند زبان هنر، داستان است. ریشه قرآن نیز در حدود یک سوم آیاتش، بهره‌مندی از این عنصر مهم است. اگر به این ریشه و رویکرد قرآن توجه می‌شد، شاید بتوان گفت که هم‌اکنون چندین هالیوود در اختیار جهان اسلام بود و فیلم‌هایی که در جهان اسلام ساخته می‌شد، قدرت‌های برتر سینمای جهان بودند و می‌توانست بسیار تأثیر گزار باشد.

اگر روزی زبان هنر، زبان اول جهان اسلام بشود، دین کارکرد اصلی خود را پیدا خواهد کرد. اساساً هم‌گانی‌ترین، ماندگارترین و کارآمدترین زبان برای آموزش و انتقال دین، «زبان هنر» است. محدود کردن دین به یکی دو زبان (زبان استدلال و عقلی یا زبان معنویت)، محصور کردن دین و در نتیجه دور ماندن از سندها و لایه‌های انتقال اطلاعات و آموزه‌های ناب دینی است.

### سه) مفهوم‌شناسی قصه از نظر قرآن

«قصه» به لحاظ لغت، در معانی داستان، سخن، حال، روایت و مکتوب به کار رفته است،<sup>۲</sup> ولی اصلی‌ترین معنای لغوی آن، چیزی را پیگیری و دنبال کردن است. قصه از نظر مفهوم و معنا در لغت به معنای «سلسله حوادث متوالی» است که در مخاطب

۱. دانشنامه حوزه‌ی ویکی‌فقه، «خصایص قصص قرآن»، <http://wikifeqh.ir>.

۲. خلیل جر، فرهنگ لاروس، ذیل واژه «القصه».

ایجاد حالت انتظار برای ادامه آن می‌کند.<sup>۱</sup> مشتقات واژه «قصه» در قرآن به دو صورت فعلی و اسمی آمده است که بیشترین کاربردش در قالب کلمه «قَصَص» است.

مفهوم «حوادث متوالی» در قرآن با چند واژه دیگر غیر از قَصَص از جمله نَبَأٌ<sup>۲</sup> (خبری سودمند و آسمانی که به صورت متوالی پیگیری می‌شود و به انسان یقین می‌دهد)، حدیث<sup>۳</sup> (روایت تازه و نو به نو و متوالی)، مَثَلٌ<sup>۴</sup> (به معنای تشبیه، ضرب‌المثل و داستان‌های گذشتگان) و اسطوره<sup>۵</sup> (داستان‌های خرافی یا داستان‌های واقعی نمادین) آمده است. لذا، مفهوم قصه در قرآن عبارت است از: روایت حوادث متوالی مفید و واقعی که به صورت نمادین پیامی درون خود داشته باشد.

### چهار ویژگی‌های قصه یوسف علیهِ السَّلام

«قصه» همانند غذایی است که اندک آن، مقوی و مغذی است و نیازهای گوناگون جسمی و روانی خواننده را تأمین می‌کند. رتبه زیبایی‌شناختی و اثرگذاری یک قصه، بسته به کیفیت آن و وابسته به اندازه تأثیر آن بر اندیشه، احساس، ارزش‌ها و کنش‌های فرد و جامعه و سامان‌بخشی ابعاد گوناگون زندگی بشر است. قصه یوسف علیهِ السَّلام به صورت انحصاری، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد.<sup>۶</sup> برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

❁ همه آیات سوره یوسف علیهِ السَّلام یکی است.

❁ این سوره ۱۱۱ آیه دارد که سه آیه اول رمینده ساز و آماده کننده ذهن مخاطب است و نه آیه پایانی، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی است. ۹۹ آیه دیگر بیان‌کننده داستان حضرت یوسف علیهِ السَّلام است.

۱. رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۰، ذیل آیه ۳ سوره یوسف.

۲. قُلْ هُوَ تَبَٰعُظِیْمٌ؛ بگو: این خبری بزرگ است. (ص / ۶۷).

۳. فَلْيَأْتُوا بِحَدِیْثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِیْنَ؛ پس اگر راست می‌گویند، سخنی مثل آن بیاورند (طور / ۳۴).

۴. اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَلَمْ یَاْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِیْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، حال آنکه هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است. (بقره / ۲۱۴).

۵. اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِیْرُ الْاَوَّلِیْنَ؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. (انفال / ۳۱).

۶. طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۸۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۲؛ قزائنی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۴۴.

✽ در داستان یوسف علیه السلام بیشتر به شخصیت خود او در گذر از دوران حوادث می‌پردازد، در حالی که در داستان پیامبران دیگر بیشتر به سرنوشت مخالفان و لجاجت و هلاکت آنان اشاره نموده است.

✽ قصه یوسف علیه السلام برخلاف قصص تمام انبیای دیگر، فقط در همین سوره و به صورت یکجا آمده است.

✽ داستان یوسف علیه السلام در ذهن ایرانیان به عنوان بخشی از فرهنگ ارزشمند آنان به یادگار مانده است. در این میان دو اثر (منظومه یوسف و زلیخا) اثر عبدالرحمن جامی و منظومه منسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

### پنج تفاوت قصه‌های قرآنی و داستان‌های (رمان‌های) امروزی

قصص قرآنی و داستان‌های امروزی تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند. برخی از آن‌ها عبارت است از:

✽ در تمام قصه‌های قرآنی، قصه‌گو خداست،<sup>۱</sup> اما در تمام داستان‌ها و رمان‌های امروزی، ذهن آشفته بشر، قصه‌گو است.

✽ همه قصه‌های قرآنی هدفمند هستند؛ یعنی خدا قصه‌ها را برای نیل به آثار و اهداف مقبول بیان کرده است نه برای پُر کردن وقت و به عنوان یک ابزار فراغتی یا سرگرمی. مهم‌ترین هدف قصص قرآن، عبرت‌آموزی است.<sup>۲</sup>

✽ تمام قصه‌های قرآن بنیادش حق است و خداوند آن‌ها را بر اساس حق و حقیقت نازل کرده است،<sup>۳</sup> در حالی که همه رمان‌های امروزی بر پایه تخیل نگاشته شده است.

✽ مبنای قصه‌های قرآن علم خداست،<sup>۴</sup> ولی مبنای رمان‌ها و داستان‌های امروزی، علم یقینی خدا نیست، بلکه گمانه‌زنی‌های بشر است.

۱. نَحْنُ نَقُصُّ؛ ما قصه‌گو هستیم. (یوسف / ۳).

۲. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. (یوسف / ۱۱۱).

۳. نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ؛ ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می‌کنیم. (کهف / ۱۳).

۴. نَنْقُصُ عَلَيْهِمْ يَٰعِلْمُ؛ از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد. (اعراف / ۷).

❁ داستان‌های قرآنی وسیله تفکرند<sup>۱</sup> ولی مهم‌ترین کارکرد و اثری که رمان‌های امروزی دارند این است که وسیله سرگرمی مخاطبان هستند.<sup>۲</sup>

### شش) چرایی زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام

خداوند در آیات ابتدایی سوره یوسف علیه السلام، این داستان را «أحسن القصص»<sup>۳</sup> زیباترین داستان» معرفی می‌کند. جالب اینکه در بین بیش از صد قصه قرآنی که در قرآن بیان شده است، ۲۷ داستان آن مربوط به پیامبرانی است که حتی برخی از آن‌ها همچون پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، ابراهیم علیه السلام رتبه و منزلتشان برتر و بالاتر از یوسف علیه السلام است، اما خداوند داستان‌های آن‌ها را زیباترین ننماید است. دلیل زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام را در چند نکته می‌توان بشمرد:

❁ همه قصه در یک جا و در سوره‌ای با نام یوسف علیه السلام گرد آمده است، برخلاف داستان پیامبران دیگر که در سوره‌هایی که با نام همان پیامبر نیست، پراکنده است.

❁ روایتگر داستان زندگی یوسف علیه السلام خداست.

❁ این قصه از ابتدا تا انتهای آن، تمام، حق و واقعیت است.

❁ تمام عناصر و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی قصه از قبیل مقدمه چینی (توطئه) برای آماده‌سازی ذهن مخاطب، گره‌افکنی و گره‌گشایی، شخصیت‌سازی، بیان حوادث جالب و جذاب داستان، استفاده بهینه از عنصر زمان و مکان، دیالوگ‌ها و گفت‌گوها، اوج‌ها و فرودها، آغاز و انجام داشتن، عبرت‌آموزی و توالی حوادث را در خود جمع کرده است.

❁ این داستان از خردسالی تا لحظات اوج زندگی یوسف علیه السلام را در برمی‌گیرد.

۱. أَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ باشد که بیندیشید. (یوسف / ۲).

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: پژوهشی پیرامون قصه‌های قرآن کریم، محمد حاج علی اکبری.

۳. یوسف / ۳.

۴. رک: طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۱۷؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۸۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۲.

✿ در این داستان هیچ رد پای از جنگ و جدال و فرعون و نمرود و آل ثمود نیست.

✿ تمام اتفاقات این قصه خوش عاقبت است؛ یوسف علیه السلام به حکومت می‌رسد، قحطی، به پُر محصولی تبدیل می‌شود، برادران پشیمان می‌شوند، یعقوب علیه السلام بینا می‌شود و در نهایت، فراق به وصال تبدیل می‌شود.

✿ به‌کارگیری عناصر متضاد در این داستان، به‌گونه‌ای که در هیچ داستان دیگری در قرآن و حتی داستان انبیا علیهم السلام این‌گونه جمع اضداد صورت نگرفته است. غم و شادی، تلخی و شیرینی، قحطی و پُر محصولی، وفاداری و جفاکاری، خوبی کردن و بدی کردن، مالک و مملوک، جاه و کاخ، از قعر چاه تا اوج کاخ، فقر و غنا، بردگی و پادشاهی، ثوری و بینایی، عفت و بی‌حیایی، پاکی و ناپاکی، فریب و صداقت، جفا و گذشت، تکرار و بی‌تکراری، نمونه‌ای از عناصر متضاد این قصه است.

### هفت) عبرت؛ مهم‌ترین کارکرد قصص قرآنی

قصص آیات قرآن کریم، کارکردها و آثار متعددی دارد. بر اساس نص آیات قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین کارکردهای قصص قرآنی، کارکرد «عبرت» است. قصه‌های قرآنی آمده‌اند تا به انسان‌ها عبرت بدهند. «عبرت» از اصلی‌ترین کلیدواژه‌های قرآنی است و در ادبیات قرآن، مفهوم عمیقی دارد.

«عبر» در اصل به معنای گذشتن از حالی به حال دیگر است. «عبرت» وضعیتی است که انسان با آن از آگاهی به امور قابل مشاهده به شناخت نامحسوس‌ها دست می‌یابد. کلمه عبرت به دو شکل اسم و فعل در قرآن آمده است. از میان مشتقات این کلمه (عابر، معبر، اعتبار و تعبیر)، دقیق‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها کلمه «عبور» است. کسی که اهل عبرت باشد، در منطقی قرآن «عابر» نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> عابر کسی است که نگاه و بینش بسیار عمیقی دارد، نگاهش همیشه خیره به هدفش است و دائماً

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ذیل واژه «عبر».

۲. رک: قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۸۳، ذیل واژه «عبر».

برای رسیدن به حقیقت می‌کوشد و از هر چیزی به جز معشوقش «عبور» می‌کند. عابر کسی است که دائماً در اندیشه ابدیت خویش است، اما در عین حال، بهره‌اش از زیبایی‌ها و لذت‌های دنیا را نیز فراموش نمی‌کند.<sup>۱</sup> عابر در مواجهه با دنیا، متعادل است نه چسبنده و نه راهب.<sup>۲</sup>

واژه عبرت نه بار در قرآن به کار رفته است. اگرچه هر چیزی که در قرآن آمده است، مهم است، ولی این تعداد از تکرار بر اهمیت آن افزوده است. به طور کلی واژه عبرت در قرآن دو نوع کاربرد دارد. کاربرد اول آن، در مواجهه با دنیا و پدیده‌های دنیوی<sup>۳</sup> است و گستره و مفهوم دوم آن، مربوط به تاریخ گذشتگان و امت‌های پیشین و حکایت زندگی پیامبران علیهم‌السلام است. از نگاه قرآن، انسان‌ها در مواجهه با دنیا و پدیده‌ها و زینت‌های دنیوی از سه دسته خارج نیستند: قبایل دسته اول و دوم را سرزنش می‌کند و دسته سوم را می‌ستاید.

**\* دسته اول:** دنیاگرایان افراطی؛ گروهی که شدت وابستگی آن‌ها به دنیا، آنان را چنان مستغرق و زمی‌گیر کرده است که پذیرش فرمان پروردگار و حرکت در مسیر خوشبختی را برای آن‌ها سخت و طاقت‌فرسا نموده، روزمرگی و بی‌توجهی به کمال و توسعه را نرخ رایج زندگی آن‌ها کرده است. این دسته از افراد، به پستی‌ها و امور کم‌ارزش قانع می‌شوند و از رسیدن به استقامت و حقایق بلند انسانی پرهیز می‌کنند.<sup>۴</sup>

۱. رک: طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۷۶.

۲. وَاتَّقِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَتَّبِعِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجهت و رحم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد (قصص / ۷۷).

۳. قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ النَّفْثَةِ فَتَةُ ثَقَاتِلٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْأَعْيُنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ؛ قطعاً در برخورد میان دو گروه برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [=مؤمنان] را با چشم دو برابر خود می‌دیدند و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند یقیناً در این [ماجرای] برای صاحبان بینش عبرتی است. (آل عمران / ۱۳).

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ اتَّقُوا اللَّهَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّكُمْ تَفْزَوْنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قُلْنَا إِلَى الْأَرْضِ أَرَضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا تَتَّخِذُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که

اینان با دنیا حس خوش پیدا می‌کنند. از دنیا که بگذریم، هیچ حسی برای آن‌ها نیست. حسشان فقط روزهاست، شب‌هنگام بی‌حس‌اند. کلاً با دنیا سر می‌کنند و به جهان دیگر و جهان‌های دیگر، آخرت و معنویت، آسمان و خدا و حقیقت هیچ التفاتی ندارند. متأسفانه همه انسان‌ها به‌جز استثنا این‌گونه‌اند. دنیا و پدیده‌های دنیوی برایشان مهم است و تمام کنش و واکنششان معطوف به آن است. خودبینی، زیاده‌خواهی، دشمنی، انتقام‌جویی، حسدورزی، کام‌جویی، شهرت‌طلبی و شهوت‌رانی روئے دائمی زندگی آن‌ها است. این دسته، به همه چیز عشق می‌ورزند جز به حقیقت عالم.

اساساً کسانی که در تعامل با دنیا، افراط‌گونه رفتار کنند، چسبندگی روی زمین، دل آن‌ها را می‌فریبد و جذب خود می‌کند. آری، زمین که میزانی که جسم انسان را به سمت خود می‌کشد، روح انسان را بیشتر به سمت خود جذب می‌کند. نیروی جاذبه زمین، جسم را به‌گونه‌ای جذب می‌کند و روح به شکل‌های دیگر. این رسالت زمین و مأموریتی است که خداوند به آن واگذار کرده است تا انسان‌ها آزموده شوند. اگر کسی بتواند نیروی جاذبه زمین را از روحش کم کند، جسمش تابع روحش می‌شود و همانند روح، سُبک می‌شود و می‌تواند بر نیروی جاذبه زمین غلبه کند.

نقطه مقابل چسبندگی، «رهایی» است. «بخشندگی»، مهم‌ترین آغاز رهایی از دست چسبندگی زمین است. کسی که نگاهش فقط معطوف به هدف است، دلش برای خدا می‌تپد و عشق به خداوند رحمان در او زاده شده است. مدل ارتباطش با تمام موجودات، اعم از انسان‌ها، جانداران، گیاهان و حتی غیر جانداران دگرگون می‌شود. چنین کسی گذشت از مال و عفو و صفا بر خطا و ظلم دیگران برایش بسیار آسان است. فرد بخشنده، همه‌کس و همه‌چیز را در دایره «ارتباط با خدا» می‌بیند و جریبه رابطه رضایت‌مندانه با خالق هستی به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

چون به شما گفته می‌شود: «در راه خدا بسیج شوید» کندی به خرج می‌دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (توبه / ۳۸).

**\*\* دسته دوم:** آخرت‌گرایان افراطی؛ این دسته، درست در نقطه مقابل دنیاگرایان افراطی هستند. ویژگی بارز این دسته این است که آن‌چنان به آخرت و جهان دیگر چسبیده‌اند که هیچ ارتباطی بین خود و دنیا برقرار نمی‌کنند.

**\*\* دسته سوم:** عبرت‌آموزان؛ الگوی حاکم بر زندگی این دسته، الگوی قرآنی اعتدال است. قرآن می‌گوید آخرت خانه ابدی شماسست به فکر آن باشید، اما بهره‌اتان را از دنیا از یاد نبرید. بهره بردن از دنیا با دو چیز محقق می‌شود: شادی و آرامش. براین اساس عابران درعین حال که نگاهشان فقط و فقط معطوف به یک هدف است و تنها برای رسیدن به آن کوشش می‌کنند، شادی و آرامش و صف‌ناشدنی خاصی را در دنیا تجربه می‌کنند. همان شادی و آرامشی که دیگران در چسبندگی و گریز، می‌جویند و هرگز به آن دست نمی‌یابند.

قرآن انسان‌ها را نسبت به گذشته و آینده به سه دسته تقسیم می‌کند:

**دسته اول،** گذشته‌گرای افراطی هستند. این افراد در گذشته‌ها محو شده‌اند، هیچ نگاهی به آینده ندارند، دچار وسواس فکری هستند و اساساً برای خودشان آینده‌ای نمی‌بینند.

**دسته دوم،** آینده‌گرای افراطی هستند که از آنچه بر آن‌ها و دیگران گذشته هیچ توشه‌ای برنمی‌چینند.

**دسته سوم،** اهل اعتدال‌اند. با یک چشم‌شان گذشته‌ها را می‌نگرند و با چشم دیگر، آینده را و از گذشته برای آینده استفاده می‌کنند. ویژگی این دسته این است که دنیا و گذشته را می‌بینند، اما در آن متوقف نمی‌شوند، از آن برای ساخت آینده‌ای پرشکوه بهره می‌برند.<sup>۱</sup>

قرآن با بیان تاریخ گذشتگان و قصه‌های مربوط به رخدادهای فراز و نشیب حوادث زندگی پیشینان، ما را به عبرت‌آموزی وامی‌دارد. داستان پرفراز و نشیب زندگی حضرت یوسف علیه السلام یکی

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارُ مَقَرٍّ؛ دنیا سرای گذشتن است نه سرای ماندن». (نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۲۸).

از این داستان‌ها است. خداوند در آیات پایانی سوره یوسف عليه السلام، با اشاره به نقش روشن‌گرانه این قصه، هدف از بیان آن را عبرت‌آموزی خردمندان معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

حاصل آنکه، عبرت، یک نگاه و نوعی از بینش است. اهل عبرت، برای رسیدن به هدف و حقیقت دائم در تلاش‌اند و در طول مسیر رسیدن تا هدف، از همه چیز می‌گذرند تا سریع‌تر به عشقشان دست پیدا کنند. این افراد، در مواجهه با موانع، توقف نمی‌کنند و محو در مانع نمی‌شوند؛ چراکه خوب می‌دانند یک دقیقه ایستادن، یعنی باختن و ضایع کردن عمر.

تمام قصه‌های قرآن، پشتوانه‌ها، پشت‌صحنه‌ها، مکمل‌ها و متمم‌هایی دارند؛ یعنی اتفاقاتی مقارن این داستان افتاده است که منجر به این داستان شده است. وقتی به متمم‌ها و پشت‌صحنه‌های آن‌ها بنگریم، فهم آن داستان برای ما جالب‌تر و جذاب‌تر می‌شود. زمانی که پشت‌صحنه‌ها و علل و ابعاد دیگر داستان آشکار شود، طبعاً فهم و دریافت ما از آن داستان، جامع‌نگرانه و عمیق‌تری شود و به ابعاد مختلف داستان پی خواهیم برد.

مجموعه‌ای که پیس روی شما خواننده محترم قرار دارد، رسالتش بیان رازها و پشت‌صحنه‌های زندگی یوسف پیامبر عليه السلام است. در ابتدا، هر آیه به همراه مضمون آن ذکر می‌شود و ذیل هر آیه عبرت‌ها، مثال‌ها و تمرین‌هایی که راهنمای شما برای عینیت‌بخشی به یک زندگی زیبا و نیل به آرامش و پیروزی حقیقی است، بیان می‌گردد.

شایان ذکر است اثر حاضر، برگرفته از درس‌گفته‌هایی است که در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در تهران ارائه شده است. بر خود لازم می‌دانم از همکاران محترم کلاس که در این زمینه تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری کنم.

۱. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ خَدِيدًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشن‌گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است. (یوسف/۱۱۱).